

روش‌های تحقیق تلفیقی، جنبش سوم روش‌شناختی در علوم اجتماعی

محسن نیازی^۱

(تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۶/۷، تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۴/۱)

چکیده

شیوه‌های تحقیق تلفیقی را جنبش سوم روش‌شناختی نامیده‌اند. این بدان معناست که اکنون برای ارتقای روش‌شناختی تحقیق، که با رویکردهای کمی و سپس کیفی آغاز شده است، لازم است رویکردهای تحقیق تلفیقی در تحقیقات اجتماعی دنبال شوند. رویکردهای عمده در تحقیقات انسانی- اجتماعی در طی جنبش‌های متعدد روش‌شناختی مسیر پیشرفت روش‌های تحقیق را پیموده‌اند. موج اول روش‌شناسی با کمیت‌گرایی و تجربه‌گرایی آغاز گردید. پس از یک دوره غلبه کمی‌گرایی، نقص روش‌های کمی در نشان‌دادن افکار و نیت مردم درباره فعالیت‌ها و وقایع خاص و پیچیده مشخص گردید. موج دوم روش‌شناختی تحت عنوان تحقیق کیفی در دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰ میلادی با تأکید بر ادراک فرآیندهایی که به نتایج مورد مطالعه منجر می‌شوند، گسترش یافت. در دهه اخیر، محدودیت‌های روش‌های کیفی در تعمیم یافته‌ها، درهم‌آمیزی یافته‌های تحقیق با ارزش‌های خاص محقق و مشکلات اعتبار و پایایی داده‌ها به‌عنوان چالش‌های مهم فراروی تحقیقات کیفی معرفی شده‌اند. از این رو، توجه به رویکرد تلفیقی به‌عنوان جنبش سوم روش‌شناختی از اهمیتی خاص برخوردار است. ایده اصلی روش تلفیقی که از آن به رویکرد چندخصلتی، چندروشی یا شیوه آمیخته نیز یاد می‌شود، این است که ترکیب رویکردهای کمی و کیفی درک مناسب‌تر و جامع‌تری از موضوعات تحقیق به دست می‌دهد. در این رویکرد، ضعف‌ها و محدودیت‌های هریک از

تحقیقات کمی و کیفی جبران می‌شود. همچنین، این شیوه شواهد و مدارک جامع‌تری را برای پژوهش موضوع تحقیق ارائه می‌دهد و به محقق کمک می‌کند تا به سؤالاتی پاسخ دهد که رویکردهای کمی یا کیفی به تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی آن‌ها باشند. هدف اصلی این مطالعه بررسی تطبیقی روش‌شناسی کمی و کیفی و شناسایی محدودیت‌های روش‌شناختی هریک از این دو رویکرد و ارائه مدل تلفیقی به‌عنوان راهکار اساسی روش‌شناختی در مطالعات انسانی-اجتماعی است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، کمی‌گرایی، روش‌های کیفی، روش تلفیقی، پارادایم.

مقدمه

امروزه رویکرد تلفیقی در تحقیقات بین‌رشته‌ای مورد توجه بسیاری از محققان علوم انسانی، به‌ویژه علوم اجتماعی، قرار گرفته است. درک بهتر روش‌های تلفیقی منجر به انجام تحقیقاتی مناسب‌تر در زمینه علوم اجتماعی، بهداشت و علوم انسانی می‌شود.

شیوه‌های تلفیقی یک یا چندین جهان‌بینی را مدنظر قرار می‌دهند. برخی نویسندگان شیوه‌های تلفیقی این مدل تحقیق را نوعی روش‌شناسی^۱ در نظر می‌گیرند و بر فرضیه‌های فلسفی تمرکز می‌کنند (تشکری و تدلی، ۱۹۹۸). سایر نویسندگان شیوه‌های تلفیقی بر تکنیک‌ها و شیوه‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تأکید دارند (کرسولو همکاران، ۲۰۰۳؛ گرین، کاراسلی و گراهام، ۱۹۸۹ و آنوگبوزی و تدلی، ۲۰۰۳).

روش‌های تلفیقی^۲ طرحی تحقیقی شامل فرضیه‌های فلسفی و شیوه‌های تحقیق است که مسیر جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و ترکیب رویکردهای کیفی و کمی مراحل بی‌شمار فرآیند تحقیق را هدایت می‌کند. این تحقیق به‌عنوان شیوه‌ای در جمع‌آوری، تحلیل و تلفیق اطلاعات کمی و کیفی بر یک پژوهش مجزا یا مجموعه‌ای از پژوهش‌ها تمرکز می‌کند و مهم‌ترین فرض آن این است که به‌کارگیری ترکیب رویکردهای کمی و کیفی درک بهتری نسبت به زمانی که هر رویکرد را جداگانه به‌کار ببریم، از موضوع تحقیق به دست می‌دهد. در صورت اتخاذ روش تلفیقی برای تحقیق، لازم است محقق در طرح تحقیق به پیش‌بینی سازوکارهای روشی و اینکه از چه ابزارهایی برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق استفاده خواهد کرد بپردازد. در این بخش، برای مثال، محقق می‌تواند

1. ethodology
2. Mixed methods reaserch

مشخص کند چه نوع داده‌هایی را از طریق پرسش‌نامه و نیز چه نوع داده‌هایی را از شیوه‌های کیفی، مانند مصاحبه، جمع‌آوری خواهد کرد.

رویکرد تلفیقی در ابتدا تحت عناوین «چندخصلتی، چندروشی»^۱ نامیده شد (کمبل و فیسک، ۱۹۵۹). همچنین این رویکرد شیوه آمیخته نیز نامیده شده است (راگین، ناگل و وایت، ۲۰۰۴). به طور کلی، چندگانگی روش تحقیق و نزدیکی و مرتبط بودن اطلاعات کمی و کیفی را با عنوان روش ترکیبی شناخته‌اند.

بنابر تعریف ارائه‌شده، شیوه‌های تلفیقی هم شامل جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی است و هم تحلیل آن‌ها. داده‌های کمی شامل اطلاعات بسته‌پاسخ، مانند سنجش نگرش‌ها و رفتارها است. جمع‌آوری این داده‌ها می‌تواند شامل استفاده از فهرست‌بازبینی (چک‌لیست) بسته‌پاسخ نیز باشد که محقق از طریق آن رفتارهای مشاهده‌شده را مرور می‌کند. گاهی اوقات داده‌های کمی در اسنادی مانند آمارهای سرشماری، که از بین ابزارها، فهرست‌های بازبینی یا اسناد منتشره گردآوری شده‌اند تا پاسخگوی موضوع‌های تحقیق یا آزمون فرضیه‌ها باشند، یافت می‌شوند. در مقابل، داده‌های کیفی شامل اطلاعات بازپاسخ هستند که محقق در هنگام مصاحبه با شرکت‌کنندگان جمع‌آوری کرده است. پرسش‌های بازپاسخ، که در خلال مصاحبه‌ها مطرح می‌شوند، به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا پاسخ‌هایشان را به زبان خود بازگو کنند. داده‌های کمی ممکن است با بازدید شرکت‌کنندگان از سایت‌های تحقیقی، همچنین با گردآوری اسناد از منبعی خصوصی (مثل دفترچه خاطرات) یا عمومی (مثل ثبت جزئیات جلسات)، یا جمع‌آوری اطلاعات صوتی - تصویری مثل نوارهای ویدیویی یا موارد دیگر جمع‌آوری شوند. به طور معمول، در بررسی داده‌های کیفی (لغات، متون یا واژه‌ها) فرآیند و مسیر گردآوری واژه‌ها یا تصاویر به‌صورت دسته‌ای از اطلاعات و نمایش نظریات گوناگونی که حین جمع‌آوری اطلاعات به‌دست آمده‌اند، دنبال می‌شود. ماهیت بازپاسخ بودن یا بسته‌پاسخ بودن اطلاعات گردآوری شده تفاوت بین این دو روش گردآوری اطلاعات را نشان می‌دهد.

تلفیق داده‌ها جنبه خاصی از تعریف رویکرد تلفیقی را دربرمی‌گیرد. با تلفیق مجموعه داده‌ها، محقق درک بهتری از موضوع به دست می‌آورد، تا اینکه آن‌ها را جداگانه به کار ببرد. سه روش برای تلفیق وجود دارد: ادغام یا یکی کردن دو مجموعه داده با به طور کامل قراردادن آن‌ها در کنار یکدیگر؛ ایجاد رابطه بین دو مجموعه داده به گونه‌ای که یکی مبنای دیگری باشد؛ و جای دادن یک مجموعه اطلاعات در کنار دیگری، به طوری که یک داده نقش پشتیبان را برای داده دیگر ایفا کند.

1. Multitrait/ multimethod

فرض اصلی روش تلفیقی این است که جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی به‌تنهایی کافی نیست و آن‌ها باید با مجموعه‌ای از روش‌ها تلفیق شوند تا بتوانند تصویر کامل‌تری از موضوع را در مقایسه با کاربرد جداگانه‌شان ارائه دهند.

در مورد این نکته که شیوه‌های تلفیقی چه ارزش و سودی را به تحقیق می‌افزایند که رویکردهای کمی و کیفی به‌تنهایی نمی‌توانند به‌وجود آورند، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- شیوه‌های تلفیقی دارای نقاط قوتی است که ضعف‌های تحقیق کمی و کیفی را جبران می‌کند. این جریان، بحثی تاریخی برای شیوه‌های تلفیقی تحقیق در دو دهه گذشته بوده است (جیک،^۱ ۱۹۷۹). می‌توان گفت تحقیق کمی در درک متن یا فضایی که مردم در آن با هم صحبت می‌کنند ضعیف است. همچنین، در تحقیق کمی دیدگاه شرکت‌کنندگان به طور مستقیم شنیده نمی‌شود. از طرف دیگر، تحقیق کیفی به دلیل برداشته‌های شخصی محققان و نظریه‌هایی که به دنبال این برداشته‌ها به وجود می‌آید و دشواری تعمیم نتایج به گروه‌های بزرگ‌تر، به دلیل تعداد کم شرکت‌کنندگان، تحقیقی ناقص و ضعیف تلقی می‌شود.

۲- شیوه‌های تلفیقی نسبت به زمانی که شیوه‌های کمی یا کیفی را به‌تنهایی به‌کار ببریم، شواهد و مدارک جامع‌تری را برای پژوهش موضوع تحقیق ارائه می‌دهد. در این تحقیق، محققان به انواع شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها که صرفاً وابسته به تحقیق کیفی یا کمی است محدود نمی‌شوند. علاوه بر آن، شیوه‌های تلفیقی به ما کمک می‌کنند تا به سؤالاتی پاسخ دهیم که رویکردهای کیفی یا کمی به‌تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی آن‌ها باشند.

درباره اهمیت روش تلفیقی باید گفت ترکیبی از هر دو نوع داده می‌تواند تحلیل کامل‌تری از موضوع تحقیق به وجود آورد. محققان می‌توانند اعداد را در متن و لغات شرکت‌کنندگان بگنجانند و لغات شرکت‌کنندگان را همراه با اعداد، گرایش‌ها و نتایج آماری ارائه کنند. امروزه استفاده از هر دو نوع داده ضروری است. از یک جهت، تحقیقات کیفی به جایی رسیده است که نویسندگان آن را به‌عنوان شیوه‌ای مشروع و قابل قبول در علوم اجتماعی پذیرفته‌اند (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۵). با وجود اهمیت پژوهش‌های کیفی، محققان تحقیق کیفی به‌خوبی دریافته‌اند که داده‌های کمی نقش مهمی را در تحقیق کیفی ایفا می‌کنند. در مقابل، محققان تحقیق کمی نیز دریافته‌اند که ارائه دیدگاه‌های کمی با شرکت‌کنندگان اندک مانع تعمیم یافته‌ها به افراد بیشتر می‌شود.

بر این مبنا، امروزه نیاز همزمان به روش‌های کمی و کیفی قابل دفاع است. زمانی که یک روش تحقیق، اعم از کمی یا کیفی، به‌تنهایی برای بررسی موضوع پژوهش کافی نباشد، ترجیحاً از

1. Jick

روش‌های تحقیق تلفیقی استفاده می‌شود. با وجود این، زمانی می‌توان روش‌های تلفیقی را مطلوب دانست که روش کمی (همانند پژوهش‌های ارتباطی و تجربی) بتواند به کمک داده‌های کیفی ارتقا یابد، یا بالعکس، روش کیفی (همانند پژوهش‌های موردی یا پژوهش‌هایی که بر مبنای نظریه پایه هستند) بتوانند به کمک داده‌های کمی بهبود و ارتقا یابند.

این مطالعه در پی پاسخگویی به این سؤالات اصلی است که هر یک از روش‌های کمی و کیفی تحقیق با چه نقصان‌هایی روبه‌رو هستند و چالش‌های فراروی آن‌ها کدام‌اند؟ ضرورت‌های اساسی به‌کارگیری روش‌های تلفیقی کدام‌اند؟ مهم‌ترین انواع روش‌های تلفیقی چیست و اساساً برنامه‌های کلی تلفیق در روش ترکیبی شامل چه موارد و برنامه‌هایی است؟

با توجه به موارد فوق، هدف اساسی این مقاله شناسایی وجوه مشخص و بررسی تطبیقی روش‌های کمی و کیفی در تحقیقات انسانی و اجتماعی و ارائه مدل رویکرد تلفیقی در تحقیق به‌عنوان جنبش سوم روش‌شناسی است. بدین منظور، ابتدا رویکردهای کمی‌گرایی و تحقیق کیفی به‌عنوان موج اول و دوم روش‌شناسی معرفی شده‌اند. سپس، به مقایسه ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها در زمینه تحقیق پرداخته شده است و پس از آن، رویکرد تلفیقی به‌عنوان مدل تکمیلی تحقیق معرفی شده است.

موج‌های روش‌شناختی

در این بخش، رویکردهای کمی‌گرایی و مطالعات کیفی، به‌عنوان موج اول و دوم روش‌شناسی در علوم انسانی-اجتماعی، ارائه شده و مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و تفاوت‌های عملی آن‌ها در زمینه تحقیق مورد بحث قرار گرفته‌اند. پس از آن، رویکرد تلفیقی به‌عنوان موج سوم روش‌شناختی مورد بحث قرار گرفته است.

الف) موج اول روش‌شناسی: کمی‌گرایی

تجربه‌گرایی و کمی‌گرایی در شناخت پدیده‌های اجتماعی به‌عنوان موج اول روش‌شناختی در علوم اجتماعی همزمان با استقلال و شکل‌گیری جامعه‌شناسی به همت بانیان این علم، چون آگوست کنت و دورکیم، آغاز شد. قرن نوزدهم شاهد موفقیت‌های بی‌نظیر تحقیقات علوم طبیعی بوده است. از این زمان به بعد، علوم اجتماعی، در اکثر اوقات، استحکام روش‌ها، دقت سازوکارهای اندازه‌گیری و قواعد ریاضی را به هدف خود تبدیل کرد. به عبارتی دیگر، در محدوده علوم و مسائل اجتماعی کمی‌گرا شد و سعی کرد حتی کیفیت‌ها نیز به واحدهای قابل شمارش تبدیل شوند.

کتاب *فیزیک اجتماعی* کوتله^۱ که در سال ۱۸۳۵ منتشر شد، تلاشی کلاسیک محسوب می‌شود که در آن سعی شده است به کمک «آمار اخلاقی» وابستگی‌های علی انسانی اجتماعی به عوامل عمومی مشخصی به اثبات برسد. کوتله در نظر داشت تکامل «انسان معنوی» را از طریق تجربه نشان دهد (اتسلندر، ۱۳۷۱: ۵۵). از این زمان به بعد، سال‌ها بود که تحقیق اجتماعی آماری منبع عمده داده‌ها را برای جامعه‌شناسی فراهم می‌کرد.

تحلیل کمی در شرایطی کاربرد دارد که مفاهیم از طریق معرف‌های تجربی کمی اندازه‌گیری شده باشند. در واقع، تحلیل کمی استدلالی آماری است. این استدلال شواهد تجربی را برای ابطال یا قبول راه‌حل نظری مسئله در اختیار ما قرار می‌دهد (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۰).

پس از یک دوره غلبه کمی‌گرایی و تجربه‌گرایی در علوم اجتماعی، به تدریج از نفوذ و نقش فائده کمی‌گرایی کاسته شد. پیتریم سوروکین در اثرش، *بویایی‌شناسی اجتماعی و فرهنگی*، به تحقیقات صرفاً کمی، آزمون شیدایی^۲ و جنون کمیت^۳ اطلاق کرده است. از نظر وی «اگر قرار شود رفتار انسان‌ها صرفاً با چند جدول و سپس محاسبات ریاضی تحلیل شود، بدون آنکه ابعاد انسانی و کیفی واقعیات حیات انسانی دیده شده باشند، راه به جایی نخواهیم برد» (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۱). همچنین، استنبرگ معتقد است «پژوهش کمی به‌ویژه برای نشان‌دادن افکار و نیات مردم درباره فعالیت‌ها یا وقایع خاص و درک پیچیدگی روندهای اجتماعی در شرایط معین مناسب و مفید نیست» (استنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۶). محبوبیت روش‌های کمی به موازات فتور در تحقیق آماری، پس از سال ۱۹۶۵، رو به کاهش نهاد. برخلاف متخصصان دیگر، مانند روان‌شناسان، اقتصاددانان، پزشکان و مدیران، که گرایش داشتند هر تحقیقی را که مبتنی بر شمارش نباشد رد کنند، اگر جامعه‌شناسان پس از تاریخ یادشده، در حال انجام آزمون آماری دیده می‌شدند، احساس دستپاچگی می‌کردند (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۲۹).

ب) موج دوم روش‌شناسی: تحقیق کیفی

اشتراوس و کوربین پژوهش کیفی را نوعی تحقیق می‌دانند که یافته‌های حاصل از آن از طریق روش‌های آماری یا سایر شیوه‌ها و ابزارهای کمی به دست نیامده باشد. این نوع پژوهش‌ها «ممکن است به تحقیق درباره زندگی افراد، شرح‌حال‌ها، رفتارها و همچنین درباره کارکرد سازمانی، جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الملل معطوف باشد» (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷).

1. Quetelet
2. Testomania
3. Quantophareny

از نظر دنزین و لینکلن پژوهش کیفی شامل روش‌های چندگانه‌ای است که نسبت به موضوع مورد نظر خود رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرایانه دارد. به این معنی که پژوهشگران کیفی پدیده‌ها را در محیط طبیعی آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهند و می‌خواهند این پدیده‌ها را برحسب معنایی که افراد به آن‌ها می‌دهند، درک یا تفسیر کنند (۱۹۹۴: ۲). کیرک و میلر (۱۹۸۶: ۹) پژوهش کیفی را رویکردی در علوم اجتماعی می‌دانند که اساساً متکی به مطالعه افراد در محیط خود آن‌ها است و تعامل با افراد را به زبان خود آن‌ها و تحت همان شرایطی که در آن قرار دارند مدنظر قرار می‌دهند (الی و دیگران، ۱۹۹۹: ۴).

مریام (۱۹۸۸) عقیده دارد که مطالعات کیفی به فرآیند بیش از نتایج توجه دارند. این بیان تأکیدی بر این واقعیت است که پژوهش کیفی قادر به ادراک فرآیندهایی است که به نتایج، یعنی وقایع و اعمال مورد مطالعه، منجر می‌شوند و این چیزی است که پژوهش‌های تجربی و پیمایشی در اغلب موارد قادر به ادراک آن نیستند (ماکسول، ۱۹۹۶: ۱۹-۲۰).

ویژگی اصلی پژوهش کیفی، در مرتبه اول، مربوط به توجه این رویکرد به موقعیت‌ها یا افراد خاص و تأکید بر کلمات به جای اعداد است (ماکسول، ۱۹۹۶: ۱۷). از دیدگاه نورمن دنزین و یووانا لینکلن پژوهش کیفی رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این بدان معناست که پژوهشگران کیفی اشیا را در موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه می‌کنند و می‌کوشند پدیده‌ها را برحسب معناهایی که مردم به آن‌ها می‌دهند، مفهوم‌سازی یا تفسیر کنند (گال و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۰).

با وجود پذیرش روش‌های کیفی، محدودیت‌های این روش در مطالعات اجتماعی توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است. از یک جهت، در اغلب موارد، محققان کیفی از نمونه‌های کوچک استفاده می‌کنند و پاسخگویان یا واحدها معرف جامعه‌ای که از آن‌ها انتخاب شده‌اند نیستند. از طرفی دیگر، حجم نمونه معمولاً آن‌قدر کوچک (بعضی اوقات یک نفر) است که به پژوهشگر اجازه تعمیم داده‌های جمع‌آوری شده را، فراتر از نمونه انتخاب‌شده برای مطالعه‌ای خاص، نمی‌دهد. همچنین، از آن‌جا که مشاهده‌کننده واحدی وقایع را توصیف می‌کند، پایایی داده‌ها نیز ممکن است مورد تردید باشد (بیانگرد، ۱۳۸۴: ۲۹۰-۲۸۸).

سیلورمن معتقد است ابزارها و فنون ساده شمارش به‌عنوان ابزار پیمایش می‌توانند مجموعه‌ای از داده‌هایی را به دست دهند که این اطلاعات عمدتاً در پژوهش‌های کیفی ژرفانگر از دست می‌روند (سیلورمن، ۱۹۸۵: ۱۴). از سوی دیگر، تحقیق کیفی موجب غرق‌شدن در کیفیت محض و اشراق و جدایی از امر واقع می‌شود، کیفیت‌گرایی محض به کاهش روایی در کار پژوهش می‌انجامد،

کیفیت‌زدگی اعتبار علمی پژوهش را مخدوش می‌کند و بالاخره، تحقیق صرفاً کیفی با ذهنیت و ارزش‌های خاص محقق می‌آمیزد و اعتبار خود را از دست می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۰).

پ) تفاوت‌ها و چالش‌های روش‌های کمی و کیفی

امروزه، محققان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی روش‌های کمی و کیفی را مقایسه کرده و به تفاوت‌های اساسی آن‌ها در زمینه مطالعات اجتماعی اشاره نموده‌اند.

از دیدگاه والیمن، تکنیک‌های کمی مبتنی بر جمع‌آوری داده‌هایی هستند که پایه عددی دارند و تابع روش‌های تحلیلی چون همبستگی آماری‌اند و اغلب در ارتباط با آزمون فرضیه‌ها هستند. در حالی که تکنیک‌های کیفی بیشتر بر زبان و تفسیر معانی آن تکیه دارند. بنابراین، جمع‌آوری داده‌ها در این روش متمایل به قراردادن پیوسته و مستمر انسان در روند خلاق گسترش ادراک انسانی است و به آزمایش توجهی مبذول نمی‌دارد (والیمن، ۱۳۸۷: ۴۰). بر اساس نظر اسکارنیک (۱۹۹۸) پارادایم کمی مبتنی بر اثبات‌گرایی است که به دنبال تبیین‌های قانون‌نگر (یعنی مبتنی بر قوانین جهان‌شمول) است. هدف اصلی آن، اندازه‌گیری عینی دنیای اجتماعی، آزمون فرضیه‌ها و پیش‌بینی و کنترل رفتار انسان است. در مقابل، پارادایم کیفی ریشه در ضد اثبات‌گرایی و تأیید رویکرد پدیدارشناسی دارد و فردنگر است؛ بنابراین، ماهیتاً طبیعت‌گراست و هدف اصلی‌اش درک حیات اجتماعی و معنایی است که افراد به زندگی روزمره خود می‌دهند (صدوقی، ۱۳۸۶: ۱۵).

دابس (۱۹۸۲: ۲۲) در تلاش برای ایجاد تمایز میان رویکردهای کمی و کیفی نشان می‌دهد که این باور درباره کیفیت برای ماهیت اشیا ضروری است. از یک سو، کمیت اساساً مقدار اشیاست. از سوی دیگر، کیفیت به این موضوع مربوط می‌شود که یک شیء چه هست، چگونه است و چه موقع و کجاست و به عبارت دیگر، ماهیت و محیط پیرامون آن چیست. بنابراین، پژوهش کیفی به معانی، مفاهیم، تعاریف، ویژگی‌ها، استعاره‌ها، نمادها و توصیف‌هایی درباره اشیا و پدیده‌ها مربوط می‌شود. میلز و هابرمن به نقل از کرلینجر می‌نویسند: «هیچ داده کیفی وجود ندارد، هر چیزی یا یک است یا صفر». در مقابل این استدلال، کمپل گفته است که هیچ پژوهشی در نهایت نمی‌تواند زمینه و موضوع کیفی نداشته باشد (میلز و هابرمن، ۱۹۹۴: ۴۰).

روش کیفی با روش کمی سه تفاوت مهم دارد. نخست آنکه، دارای زیربنای فلسفی هردو روش متفاوت است. برای محقق کمی، واقعیت عینی است؛ یعنی خارج از ذهن محقق وجود دارد. برای محقق کیفی واقعیت مجزایی وجود ندارد. هر مشاهده‌کننده‌ای واقعیت را به‌عنوان بخشی از فرآیند تحقیق به وجود می‌آورد. علاوه بر این، محقق کمی معتقد است واقعیت را می‌توان به اجزای

تشکیل‌دهنده آن تجزیه کرد و محقق باید دانش کلی خود را از واقعیت با بررسی اجزا به دست آورد. از سوی دیگر، محقق کیفی فرآیند کل را می‌آزماید و باور دارد که واقعیت کلی^۱ است و نمی‌توان آن را به اجزایش تقسیم یا تجزیه کرد. دوم اینکه، دو روش، برداشت متفاوتی از فرد دارند. محقق کمی باور دارد که تمام انسان‌ها اساساً شبیه هم هستند و رفتارها و احساسات آن‌ها را می‌توان در طبقاتی کلی قرار داد، درحالی‌که محقق کیفی معتقد است که انسان‌ها اساساً با یکدیگر متفاوت‌اند و نمی‌توان آن‌ها را گروه‌بندی کرد. سوم، هدف محقق کمی دستیابی به قوانین کلی رفتار انسان است. در مقابل، محقق کیفی تلاش می‌کند تا تبیین ویژه‌ای در مورد یک فرد یا موقعیت خاص ارائه دهد. در واقع، محققان کمی تلاش می‌کنند در عرض پیشروی کنند و محققان کیفی می‌کوشند در عمق پیش بروند (بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۲۸۷).

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های روش‌های کمی و کیفی تحقیق

ردیف	روش کمی	روش کیفی
۱	وجود یک واقعیت اجتماعی عینی را باور دارد.	معتقد است که واقعیت اجتماعی توسط مشارکت‌کنندگان ساخته می‌شود.
۲	فرض می‌کند که واقعیت نسبتاً ثابت است.	فرض می‌کند که واقعیت اجتماعی مرتب در حال ساخته شدن است و به همین دلیل هم حالت نسبی دارد.
۳	روابط علی میان پدیده‌ها را مکانیکی می‌داند.	برداشت‌ها و مقاصد انسان را عامل مهم علیت در پدیده‌های اجتماعی می‌داند.
۴	پژوهشگر هنگام انجام پژوهش، مستقل و برکنار از موقعیت پژوهش و شرکت-کنندگان در آن عمل است.	پژوهشگر به هنگام انجام پژوهش با شرکت‌کنندگان در پژوهش درمی‌آمیزد، خود را در دیدگاه‌های آنان شریک می‌سازد و با آنان احساس همدلی می‌کند.
۵	به نمونه‌گیری و مطالعه نمونه‌های معرف جمعیت‌های بزرگ می‌پردازد.	موردها را مطالعه می‌کند.
۶	رفتار و سایر پدیده‌های قابل مشاهده را مطالعه می‌کند.	معنی‌های ساخته شده به وسیله افراد و سایر پدیده‌های درونی را مطالعه می‌کند.
۷	رفتار انسان را در موقعیت‌های کنترل‌شده مطالعه می‌کند.	اعمال انسان را در موقعیت‌های طبیعی مطالعه می‌کند.
۸	واقعیت اجتماعی را به متغیرها تجزیه می‌کند.	از موقعیت کلی که عمل اجتماعی در آن رخ می‌دهد مشاهدات کلی به عمل می‌آورد.
۹	از مفاهیم و نظریه‌های ازپیش‌تعیین‌شده برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند.	پس از گردآوری داده‌ها به کشف و وضع مفاهیم و نظریه‌ها می‌پردازد.
۱۰	از داده‌های عددی برای معرفی محیط اجتماعی استفاده می‌کند.	از داده‌های کلامی و تصویری برای معرفی محیط اجتماعی استفاده می‌کند.

۱۱	از روش‌های آماری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند.	از روش‌های منطق استقرایی برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند.
۱۲	از روش‌های آماری استنباطی برای تعمیم یافته‌ها از نمونه به جامعه استفاده می‌کند.	یافته‌های پژوهشی موردی را از راه جستجو برای پیدا کردن موردهای مشابه تعمیم می‌دهد.
۱۳	از یافته‌های پژوهشی گزارش‌های عینی غیرشخصی تهیه می‌کند.	گزارش‌های تفسیری را تهیه می‌کند که ساخته‌های شخصی پژوهشگر را از داده‌ها منعکس می‌کند و این آگاهی را به خواننده می‌دهد که او خود می‌تواند تفسیرهای خاص خودش را از گزارش بسازد.

(بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۲۹۱؛ به نقل از سیف، ۱۳۷۹: ۸۰).

ت) موج سوم روش‌شناسی: رویکرد تلفیقی

۱- تعریف روش تلفیقی

در رویکرد تلفیقی، پژوهش‌های کیفی و کمی می‌توانند از طریق ایفای نقش‌های مربوط، یعنی کشف و تأیید، همدیگر را کامل کنند. در واقع، روش‌های کمی و کیفی مکمل یکدیگرند و استفاده از هر دو روش موجب بررسی و فهم عمیق‌تر مسائل پژوهشی می‌شود. انجام‌دادن تحقیق کمی و کیفی، به طور توأمان، در مورد یک موضوع را روش ترکیب‌شده یا درهم‌تنیده^۱ می‌نامند (گال و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۴).

برایمن (۲۰۰۴: ۴۳۷-۴۵۰) با روش‌های جزمی و تعصب‌انگیز که بیش از اندازه بین دو روش‌شناسی کمی و کیفی تأکید دارند مخالف است. از نظر وی، تحقیق کمی می‌تواند از دیدگاه تفسیرگرایانه انجام شود، به همان نحو که تحقیق کیفی در علوم طبیعی کاربرد دارد. به این صورت، روش‌های کمی در تحقیقات کیفی مورد استفاده واقع می‌شوند و تحلیل‌های مطالعات کمی و کیفی را می‌توان با رویکردهای مخالف انجام داد (والیمن، ۱۳۸۷: ۴۰). از دیدگاه ترنر ما می‌توانیم همه اطلاعاتی را که درباره جهان کسب می‌کنیم اطلاعات کیفی محسوب کنیم و سپس درنگریم که تحت برخی اوضاع و احوال می‌توان این اطلاعات را برای ایجاد نوع خاصی از داده‌ها، یعنی داده‌های کمی، به کار گرفت و می‌توان از خواص اعداد برای آن‌ها بهره گرفت (ترنر، ۱۹۹۴: ۱۹۵).

هالفنی معتقد است با وجود تفاوت‌های ظاهری اعداد و کلمات، داده‌های کمی و کیفی از اساس تفاوتی ندارند. داده‌های کمی معمولاً با کدگذاری داده‌های دیگری ایجاد می‌شوند که از طریق برکندن آن‌ها از متن و خالی کردن آن‌ها از محتوا تا حد یک عدد فروکاسته می‌شوند.

1. Integrated or mixed methodology

آن‌ها، بعداً، پس از دستکاری اعداد، مورد تفسیر قرار می‌گیرند، یعنی با افزودن محتوا و قراردادن آن‌ها در متن بسط می‌یابند و فرد را قادر می‌سازند از دریچه نشانه‌های عددی دوباره به دنیای اجتماعی باز نگرد (هالفنی، ۱۹۹۶: ۵ و بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۱۷). دنزین با ارائه مثال‌هایی برای توضیح چگونگی تلفیق داده‌های کمی و کیفی می‌نویسد: «ممکن است فردی برای روشن کردن یافته‌هایی که به شیوه کمی به دست آمده‌اند از داده‌های کیفی استفاده کند، یا شخصی نتایج جمعیت‌شناختی را کمی کند، یا کسی اشکال داده‌های کمی را به کار گیرد تا به طور نسبی تحلیل‌های کیفی خود را اعتبار بخشد (دنزین، ۱۹۷۰ و استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۸). برخی پژوهشگران معتقدند روش کیفی برای کشف مضمون‌ها و روابط در سطح موردی و روش کمی برای ارزیابی این مضمون‌ها و روابط در نمونه‌ها و جامعه‌ها به کار می‌رود. طبق این دیدگاه، روش کیفی، نقش اکتشافی و روش کمی، نقش تأییدی^۱ ایفا می‌کند. بروس بیدل و دونالد آندرسون استفاده از دو رویکرد مذکور را این‌گونه تصدیق می‌کنند: «این کاری نامناسب است که بخواهیم اثربخشی نسبی این دو روش (روش کیفی و کمی) را با هم مقایسه کنیم. زیرا هر یک مقاصد متفاوتی دارند. به بیان کلی، همت روش اول به پدیدآیی بینش معطوف شده است، در حالی که روش دوم در پی آزمون فرضیه‌هاست (گال و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۲).

علاوه بر آن، هر چند استفاده از روش‌های تحلیل کمی، در مقام دآوری تجربی، درجه عینیت را افزایش می‌دهد، با وجود این، تحلیل کمی از تحلیل کیفی بی‌نیاز نیست. محقق به منظور تکمیل تحلیل و دستیابی به بسندگی معنایی، نیازمند آن است که تحلیل کمی را با تحلیل کیفی همراه سازد. تحلیل کیفی بار معنایی یافته‌های کمی را روشن‌تر می‌کند. در فرآیند تحقیق تجربی ممکن است شاهد گزاره‌های مشاهده‌ای در دسرساز باشیم. این گزاره‌ها را می‌توان در زمینه خود قرار داد و به صورت عمیق تأویل کرد (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۴۳-۱۴۴).

در بعد معرفت‌شناسی رویکردهای کمی، کیفی و تلفیقی باید گفت رویکرد کمی‌گرایی بر برون‌گرایی و توجه به جنبه‌های بیرونی واقعیت و اثبات‌گرایی تأکید دارد، در حالی که در رویکرد کیفی بر ساختارگرایی، ذهن‌گرایی و تفسیرگرایی تأکید می‌شود. در رویکرد تلفیقی، ابعاد مختلف بیرونی و اثباتی و نیز جنبه‌های کیفی و ذهنی واقعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین، از جنبه روش‌شناسی، رویکردهای کمی به بررسی تجربی واقعیت و نمونه‌گیری می‌پردازند. در رویکردهای کیفی با تأکید بر قوم‌شناسی، پدیده‌شناسی، مطالعه اکتشافی، پژوهش بر مبنای عملکرد، تحلیل گفتمان و با استفاده از روش‌هایی مانند پرسش‌نامه باز پاسخ،

1. Confirmatory

مشاهده، مصاحبه، تحقیق موردی و مانند آن، به مطالعه کیفی موضوعات پرداخته می‌شود. در حالی که در رویکردهای تلفیقی محقق به استفاده توأمان رویکردهای کمی و کیفی برحسب موضوع تحقیق می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش‌های کمی و کیفی، سعی در مطالعه جامع‌تر موضوع می‌کند.

۲- تاریخچه رویکرد تلفیقی

با مرور مطالعات روش‌های تلفیقی، می‌توان فرآیند شکل‌گیری و رشد این روش‌ها را طی چند دوره بررسی کرد:

دوره شکل‌گیری روش‌های تلفیقی از سال ۱۹۵۰ آغاز شد و تا پایان سال ۱۹۹۰ ادامه داشت. این دوره مصادف با نخستین گرایش‌ها برای به‌کارگیری بیش از یک شیوه در تحقیق است. در این زمان، کمبل و فیسک (۱۹۵۹) جمع‌آوری اطلاعات متفاوت از روش‌های کمی را برای اعتبارسنجی خصلت‌های روان‌شناسی مورد تأکید قرار دادند. پس از آن، برخی از محققان هر دو نوع داده‌های کمی و کیفی را با هم ترکیب کردند (سیبر، ۱۹۷۳؛ جیک، ۱۹۷۹) و این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان هر دو نوع داده را زمانی که با دیدگاه‌های متفاوت مطرح می‌شوند با یکدیگر ترکیب کرد؟ (کوک و ریچارد، ۱۹۷۹).

دوران بحث‌های پارادایمی را می‌توان مرحله سوم روش‌های تلفیقی شمرد. در طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ محققان رویکرد کیفی هم‌عقیده بودند که فرضیه‌های مختلف، زیربناها را برای تحقیق کمی و کیفی به‌وجود می‌آورند (گیوبا و لینکلن، ۱۹۸۸؛ اسمیت، ۱۹۸۳). «عمل‌گراها» معتقد بودند «پارادایم‌های چندگانه» می‌توانند برای بررسی موضوع تحقیق به‌کار روند. اگرچه موضوع تطبیق پارادایم‌ها با تحقیق همچنان پابرجاست، تقاضاهای زیادی برای پذیرفتن پارادایم‌ها به‌عنوان بهترین زیربنای فلسفی برای شیوه‌های تحقیق تلفیقی وجود دارد. همچنین، محققان خواهان به‌کارگیری پارادایم‌های مختلف در شیوه‌های تلفیقی و توجه به عنصر زمان در دو شیوه و مشخص کردن زمان به‌کارگیری هر کدام هستند (گرین و کاراسلی، ۱۹۹۷).

روش‌های تحقیق تلفیقی، جنبش سوم روش‌شناختی در علوم اجتماعی

جدول ۲: مراحل گسترش، صاحب‌نظران و نوع فعالیت آن‌ها در گسترش شیوه‌های تلفیقی در تحقیق

مراحل گسترش	نویسندگان (سال)	فعالیت در زمینه شیوه‌های تلفیقی
دوران شکل‌گیری	کمیل و فیسک (۱۹۵۹)	معرفی کاربرد شیوه‌های کمی چندگانه
	سیبر (۱۹۷۳)	ترکیب نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌ها
	جیک (۱۹۷۹)	بحث و بررسی ترکیب داده‌های کمی و کیفی
دوران موضوعات پارادایمی	کوک و ریچاردت (۱۹۷۹)	معرفی ۱۰ روش ترکیب داده‌های کمی و کیفی
	راسمن و ویلسن (۱۹۸۵)	بحث و بررسی موضع‌گیری‌ها در برابر ترکیب شیوه‌ها
	برایمن (۱۹۸۸)	بررسی بحث و ایجاد ارتباط بین دو سنت کمی و کیفی
	ریچاردت و رالیس (۱۹۹۴)	بررسی بحث پارادایم‌ها و تطبیق دو سنت کمی و کیفی
دوران پیشرفت‌های فرآیند تحقیق تلفیقی	گرین و کاراسلی (۱۹۹۷)	پیشنهاد خاتمه‌یافتن اختلاف بحث پارادایم‌ها
	برور و هانتز (۱۹۸۹)	تمرکز بر رویکرد چندروشی که در مراحل تحقیق به‌کار می‌رود
	مورس (۱۹۹۱)	گسترش نظام علامت‌گذاری
	کرسول (۱۹۹۴)	معرفی سه نمونه از طرح‌های شیوه تلفیقی
	مورگان (۱۹۹۸)	توسعه گونه‌شناسی برای تعیین طرحی که به‌کار می‌رود
	نیومن و بنز (۱۹۹۸)	ارائه رئوس کلی فرآیندها
	تشرکی و تدلی (۱۹۹۸)	ارائه رئوس کلی به‌روز برای شیوه‌های تحقیق تلفیقی
	بامبرگر (۲۰۰۰)	ارائه یک روش جهانی متمرکز برای شیوه‌های تحقیق تلفیقی
	دوران طرفداری از طرحی مجزا برای تحقیق تلفیقی	تشرکی و تدلی (۲۰۰۳)
کرسول (۲۰۰۳)		مقایسه شیوه‌های کمی، کیفی و رویکردهای تلفیقی در مراحل تحقیق
جانسون و آنوگیزی (۲۰۰۴)		قراردادن شیوه‌های تلفیقی به‌عنوان مکملی طبیعی در تحقیق سنتی کمی و کیفی

(کرسول و پلانوکلازک، ۲۹:۱۳۸۷)

۳- انواع روش‌های تلفیقی

محققان روش‌های تلفیقی نیازمندند که با انواع مهم روش‌های تلفیقی و شیوه‌های معمول این روش‌ها در تحقیق آشنا باشند. مسائل مهمی که باید در زمان انتخاب روش تحقیق در نظر گرفت عبارت از موارد هدف تحقیق، فرآیند انجام تحقیق و نقاط ضعف و قوت هریک از روش‌های موجود است. همچنین، محققان باید به‌زمان‌بندی، ارزیابی و تصمیمات تلفیقی که در هریک از روش‌های تحقیق تلفیقی اتخاذ می‌شود آشنا باشند (کرسول و پلانوکلازک، ۲۹:۱۳۸۷).

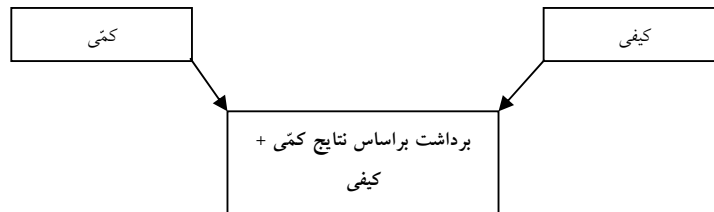
برای ترکیب روش‌های پژوهشی مختلف در پروژه‌های واحد دو شیوه‌اصلی وجود دارد. روش اول با توالی زمانی انجام می‌شود که احتمالاً با تعویض رهیافت‌ها و پارادایم‌ها همراه است. این رهیافت امکان استفاده از روش‌های کمی و کیفی را در کنار یکدیگر فراهم می‌آورد، به شرطی که هر دو روش با مفروضات هستی‌شناختی مشابهی به کار روند. روش‌های مختلف را می‌توان برای کشف جنبه‌های واقعیت «عینی» واحدی، صرف‌نظر از اینکه این روش‌ها از کلمات استفاده کنند یا اعداد، به کار گرفت. داده‌های منابع مختلف را می‌توان از یکی به دیگری ترجمه و تبدیل کرد (هرچند معمولاً از کیفی به کمی تبدیل می‌شوند). شیوه دوم، استفاده از روش‌های مختلف با مفروضات مختلف، در مراحل متفاوت پروژه پژوهشی است. پژوهشگر می‌تواند طی روند پژوهش در میان استراتژی‌های پژوهشی جابه‌جا شود. با این حال، داده‌های هر مرحله را نمی‌توان به‌آسانی برای مراحل دیگر ترجمه و تبدیل کرد، اما می‌توان آن‌ها را در پرتو داده‌های مراحل دیگر تفسیر کرد. برای مثال، نتایج آماری یک پیمایش را می‌توان تفسیر کرد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۵۳).

در مجموع، انواع روش‌های تلفیقی به چهار نوع: طرح سه‌بعدی، طرح ترکیبی، طرح توضیحی و طرح اکتشافی تقسیم می‌شوند:

۱.۳. روش سه‌بعدی

معمول‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش برای تلفیق روش‌ها، روش سه‌بعدی است (کرسول و پلانوکلاک، ۲۰۰۳). هدف این روش فراهم کردن داده‌های مختلف و در عین حال ممکن در مورد یک موضوع خاص است تا به بهترین نحو، شکل تحقیق فهمیده شود. هدف از به‌کارگیری روش سه‌بعدی این است که نقاط قوت و ضعف‌های مختلف روش‌های کمی (اندازه بزرگ حجم نمونه، روند، تعمیم) و روش‌های کیفی (تعداد کم، جزئیات، عمق) را در کنار هم در نظر بگیریم (پتن، ۱۹۹۰). این طرح موقعی به کار می‌رود که محقق بخواهد به طور مستقیم نتایج کمی آماری را با یافته‌های کیفی مقایسه کند. روش سه‌بعدی، روشی تک‌مرحله‌ای است که در آن محققان روش‌های کمی و کیفی را به طور هم‌زمان و با ظرفیت مساوی به مرحله اجرا درمی‌آورند.

روش سه‌بعدی

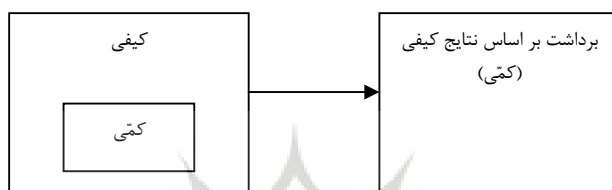
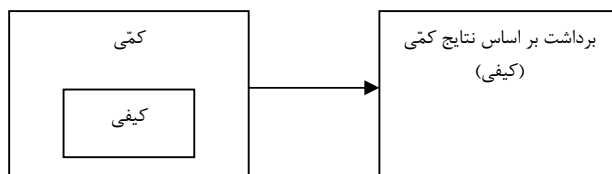


زمان‌بندی یک‌مرحله‌ای این روش، دلیلی است تا آن را «روش سه‌بعدی همزمان» نیز بنامند (کرسول و دیگران، ۲۰۰۳). به‌طورکلی، این روش شامل جمع‌آوری و تحلیل همزمان و در عین حال جداگانه داده‌های کمی و کیفی است، تا به این وسیله محققان بتوانند به بهترین نحو، مسئله تحقیق را تشخیص دهند.

۲.۳. روش ترکیبی

روش ترکیبی یکی از روش‌های تلفیقی است که در آن برخی از داده‌های تحقیق نقش کمکی و ثانوی دارند و برخی در مجموعه داده‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این روش در مواردی استفاده می‌شود که مجموعه داده‌های تحقیق کافی نباشد و هر نوع از سؤالات تحقیق نیازمند انواع متفاوتی از داده‌ها باشد. محققان هنگامی از این روش استفاده می‌کنند که در طول یک تحقیق کمی یا کیفی، باید با استفاده از داده‌های کمی یا کیفی به سؤال تحقیق پاسخ دهند. این روش به‌خصوص موقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد که محقق باید در یک روش کمی، مانند روش ارتباطی یا تجربی، یک مؤلفه کیفی را با آن تلفیق کند. روش ترکیبی مجموعه‌ای از داده‌های متفاوت را در سطح روش تحقیق با هم ادغام می‌کند، به این صورت که یک نوع از داده‌ها در یک روش‌شناسی با نوع دیگر داده‌ها ترکیب می‌شوند (گرین و کراسلی، ۱۹۹۷). برای مثال، محقق می‌تواند یک داده کیفی را در یک روش‌شناسی کمی ترکیب کند، به همان صورت که در روش کیفی انجام می‌شود یا داده‌های کمی را می‌تواند در یک تحقیق کیفی ترکیب نماید، همان‌طور که در روش تحقیق پدیدارشناسی انجام می‌شود.

روش ترکیبی



۳.۳. روش توضیحی

روش توضیحی، روش تلفیقی دومرحله‌ای است. هدف کلی این روش این است که داده‌های کیفی به توضیح یا بسط نتایج کمی اولیه کمک کند (کرسول و دیگران، ۲۰۰۳). برای مثال، این روش برای تحقیقی مناسب است که در آن محقق برای توضیح نتایج ضروری (یا غیرضروری)، نتایج جانبی یا نتایج شگفت‌انگیز به داده‌های کیفی نیازمند است. همچنین این روش می‌تواند موقعی مورد استفاده قرار گیرد که محقق قصد دارد گروهی را براساس نتایج کمی سازماندهی و پس از آن به‌وسیله تحقیق کیفی گروه را دنبال کند (مورگان، ۱۹۹۸؛ تشکری و تدلی، ۱۹۹۸) یا از خصوصیات کمی شرکت‌کننده‌ها استفاده کند تا راهنمای مدل‌سازی هدمند برای مرحله کیفی باشند (کرسول و دیگران، ۲۰۰۳).

۳.۴. روش اکتشافی

هدف از این روش تلفیقی دومرحله‌ای، تحت تأثیر قرار دادن نتایج روش اول (کیفی) در روش دوم (کمی) است. این روش در موارد زیر به کار می‌رود:

- ۱) وقتی وسیله‌ای برای اندازه‌گیری یا ابزار ساختن داده‌ها در دسترس نیست؛
- ۲) عوامل متغیر شناخته نشده‌اند؛
- ۳) هیچ راهنمای ساختاری یا تئوریک وجود ندارد.

از آن‌جا که این روش به صورت کیفی آغاز می‌شود، برای بررسی یک پدیده مناسب‌ترین روش به نظر می‌رسد. به خصوص این روش هنگامی مؤثرتر است که محقق برای ساختن ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیاز به آزمایش دارد یا هنگام تشخیص اهمیت عوامل متغیر ناشناخته و بررسی این عوامل از لحاظ کمی از این روش استفاده می‌کند.

این روش همچنین برای موارد زیر کاربرد دارد:

(الف) تعمیم داده‌ها و نتایج برای گروه‌های متفاوت (مورس، ۱۹۹۱)؛

(ب) ارزیابی جنبه‌های فعلی یک نظریه یا طبقه‌بندی جدید (مورگان، ۱۹۹۸)؛

(ج) بررسی عمیق یک پدیده و اندازه‌گیری میزان شیوع آن.

در روش تحقیق اکتشافی مانند روش توضیحی از شیوه دمرحله‌ای استفاده می‌شود و نویسندگان از آن به روش زنجیری تحقیقی نیز تعبیر می‌کنند. این روش با داده‌های کیفی برای توضیح آغاز می‌شود و سپس مرحله دوم یعنی مرحله کمی را می‌سازد.

محققان از این روش برای بسط نتایج مرحله کیفی، با ساختن ابزار جمع‌آوری داده‌ها، تشخیص عوامل متغیر یا تعیین روشی برای آزمایش برپایه یک نظریه یا ساختار درحال پیدایش استفاده می‌کنند. این روش در مرحله ابتدایی، داده‌های کیفی را جمع‌آوری و آن‌ها را به بخش کمی پس از آن مرتبط می‌سازد.

۴. برنامه‌های کلی تلفیق در روش‌های تلفیقی

تلفیق عبارت است از بیان صریح هر دو نوع داده کمی و کیفی. اگر در تحقیق هر دو روش کمی و کیفی به کار برود، ولی با صراحت تلفیق داده‌ها در آن قید نشده باشد، صرفاً مجموعه‌ای از روش‌های مختلف به‌شمار خواهد رفت. چنانچه روش تلفیقی دقیق باشد، باید به‌طور دقیق مشخص کند که چگونه داده‌ها باید تلفیق شوند. در مجموع، سه برنامه کلی برای تلفیق داده‌های کیفی و کمی وجود دارد:

۴.۱. ادغام مجموعه داده‌های کمی و کیفی

داده‌ها موقعی با هم ادغام می‌شوند که محقق دو مجموعه داده را به‌طور مشخص با هم ارائه و تلفیق کند. محققان می‌توانند دو مجموعه داده را در طول تفسیر (با تجزیه آن‌ها به طور مجزا در یک بخش از نتایج و سپس تلفیق دو مجموعه نتایج با هم در طول تفسیر یا بحث) یا در طول تجزیه و تحلیل داده‌ها (با انتقال یک نوع داده به نوعی دیگر یا تلفیق داده‌ها در عوامل متغیر جدید) با هم ادغام کنند.

۲.۴. تلفیق داده‌ها در سطح روش تحقیق

محقق می‌تواند داده‌های یک روش تحقیق را در نوع دیگری از روش تحقیق تلفیق کند. این تلفیق نه تنها در سطح داده‌ها، بلکه در سطح روش تحقیق نیز انجام می‌گیرد. محقق ممکن است تلفیق داده‌های کیفی را در روش کمی گسترده‌تر (مانند روش تجربی) یا تلفیق داده‌های کمی را در روش کیفی گسترده‌تر (مانند روش پدیده‌شناسی) برگزیند. یک نوع داده می‌تواند در مجموعه داده‌های مقارن با مجموعه داده‌های دیگر تلفیق شود. به‌عنوان راهی دیگر، داده‌های تلفیقی ممکن است به‌طور پیاپی قبل یا بعد از مجموعه داده‌های دیگر جمع‌آوری شوند.

۳.۴. پیوند بین گردآوری و تحلیل داده‌ها

محقق می‌تواند دو نوع داده را به هم پیوند دهد. پیوند داده‌ها موقعی اتفاق می‌افتد که تجزیه یک نوع داده باعث ایجاد نوع دیگری از داده‌ها شود، که این حالت در یکی از این دو راه می‌تواند اتفاق بیفتد:

۱. محقق می‌تواند نتایج کمی را اول به دست بیاورد، که این امر باعث جمع‌آوری و تجزیه داده‌های کیفی بعدی می‌شود.
۲. همچنین محقق می‌تواند با نتایج کیفی شروع به کار کند که تجزیه و جمع‌آوری داده‌های کمی بعدی را موجب می‌شود.

برای مثال رویکرد تلفیقی می‌توان به پژوهش جنکینز اشاره کرد. مطالعه جنکینز (۲۰۰۱) در چارچوب کلی تحقیقات رشته آموزش نوجوانان قرار می‌گیرد. به‌طور خاص، تحقیق او مربوط به مسئله مقاومت نوجوانان در استفاده از مواد مخدر است. او با بررسی ادبیات تحقیق مشخص کرد که در آمریکا نوجوانان از مواد افیونی و مخدر در حد زیاد استفاده می‌کنند و برای هرگونه اقدام در پیش‌گیری از مصرف مواد مخدر باید ابتدا نسبت به مشکلات آن‌ها در برابر مقاومت استفاده از مواد مخدر آگاهی یافت. هدف پژوهش جنکینز این بود که عوامل مؤثر بر فقدان توانایی مقاومت در برابر مشروب، ماری‌جوانا و مواد مخدر سنگین را شناسایی کند (۲۰۰۱: ۲۱۲). این تحقیق در یک مرحله انجام شد، ولی به‌طور همزمان اطلاعات کمی و کیفی را جمع‌آوری کرد. اطلاعات کمی از ۳۶۱ آزمودنی و با استفاده از پرسش‌نامه ساختاربندی‌شده درباره استفاده از سه نوع مواد مخدر جمع‌آوری شده است. اطلاعات کیفی نیز از همان آزمودنی‌ها و با استفاده از سه سؤال

نیمه‌ساختاری جمع‌آوری شد. علاوه بر این، برای اعتباربخشی به پاسخ‌های تشریحی آزمودنی‌ها، ۲۹ نفر نیز به طور گروهی مصاحبه شدند. نیاز همزمان به داده‌های کمی و کیفی دلیل استفاده جنکینز از روش‌های تلفیقی بود که برای فهم بهتر درخصوص این مشکلات به آن‌ها احتیاج داشت.

جنکینز دستاوردهای کمی و کیفی‌اش را به دو شیوه مهم ادغام کرد. اول اینکه متغیرهای کیفی (نوع و مقدار مواد مخدر) را با یافته‌های کمی (پاسخگویی گروه‌ها) در جدول با یکدیگر ترکیب کرد. این جدول‌های چندبعدی، یافته‌ها را با مقدار عددی‌شان به یکدیگر ربط می‌دهند که نشان‌دهنده تعدد پاسخگویی کیفی است. به علاوه، جنکینز متغیرهای کیفی را هنگام بحث در خصوص نتایج به دست آمده با یافته‌های کمی تلفیق کرد و در مقایسه، بخش مذاکره را ایجاد نمود.

علاوه بر آن، سیلورمن (۱۹۸۴) در مطالعه تطبیقی "سامان تشریفاتی" دو درمانگاه دولتی سرطان‌شناسی با یک درمانگاه خصوصی، رفتار پزشک و بیمار را به روش ترکیبی مورد مطالعه قرار داده است. فرضیه سیلورمن این بود که درمانگاه خصوصی خدمت "شخصی" را تشویق می‌کرد و به بیماران اجازه می‌داد تا مراقبت‌هایشان را هماهنگ کنند و در نظارت بر محیط درمانگاه سهم داشته باشند. وی داده‌های کمی مانند طول زمان مشاوره و میزان مشارکت بیماران در مشاوره را جمع‌آوری کرد که از طریق آن‌ها می‌توانست مشخصات دقیق‌تری از ویژگی‌های درمانگاه‌های خصوصی و دولتی نشان دهد. در طی این بررسی‌ها، داده‌ها نشان دادند که زمان مشاوره در درمانگاه خصوصی تقریباً دوبرابر درمانگاه‌های دولتی بود و این تفاوت از لحاظ آماری حائز اهمیت بود. همچنین، مشارکت بیماران به صورت پرسش‌ها و پاسخ‌های باز مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. در این اندازه‌گیری، بیماران خصوصی در مشاوره مشارکت بسیار بیشتری داشتند. در این زمینه، داده‌های کمی ادعای درجه تفاوت میان درمانگاه‌های دولتی و خصوصی را نشان دادند. در این پژوهش، علاوه بر داده‌های کمی، تبادل‌های گفتاری بین پزشکان و بیماران در دو نوع درمانگاه خصوصی و دولتی مورد مطالعه قرار گرفت و این نکته که پزشکان تا چه حد معالجه و معاینه‌شان را به دلخواه بیماران تنظیم می‌کنند و نیز آیا پزشکان و بیماران درباره زندگی خصوصی و حرفه‌ای‌شان صحبت می‌کنند یا خیر، بررسی شد. از لحاظ روش‌شناسی، هدف اساسی سیلورمن بررسی این سؤال بود که آیا داده‌های کمی می‌توانند مشاهدات وی را تأیید کنند یا خیر. در مجموع، سیلورمن دریافت هر دو نوع داده‌های کمی

و کیفی در روش ترکیبی می‌توانند در تحلیل یکدیگر مؤثر واقع شوند (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۲۰۱-۱۹۸).

نتیجه‌گیری

توسعه علوم اجتماعی و ایفای نقش اساسی آن در شناخت و تبیین پدیده‌های انسانی-اجتماعی، مستلزم پیشرفت در روش‌های تحقیق و ارائه رویکردها و مدل‌های جدیدی از روش‌شناسی در پژوهش اجتماعی است. در دهه‌های اخیر، روش‌شناسی در علوم اجتماعی جنبش‌ها و امواج متعددی را پشت سر گذاشته است. موج اول روش‌شناسی با غلبه کمی-گرایی، گام‌های مهمی در جهت استحکام روش‌ها و دقت سازوکارهای اندازه‌گیری برداشت و در جهت استدلال شواهد تجربی، فنون آماری پیشرفته‌ای را ارائه داد. با توجه به ویژگی‌های خاص و ابعاد ذهنی و چندبعدی زندگی انسانی و اجتماعی، مسلماً روش‌های صرف کمی در شناخت پدیده‌های انسانی-اجتماعی با چالش‌های متعددی مواجه هستند. بر این مبنا، موج دوم روش‌شناختی، یعنی تأکید بر رویکرد کیفی در تحقیق توجه بسیاری از محققان را در سه دهه اخیر به خود معطوف داشته است. با وجود پذیرش روش‌های کیفی، این نوع تحقیق نیز مستلزم استفاده از نمونه‌های کوچک است و در بسیاری از موارد تعمیم و پایایی داده‌ها مورد تردید قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، در اغلب موارد کیفیت‌گرایی محض امکان درهم‌آمیزی یافته‌های تحقیق با ذهنیت محقق را افزایش می‌دهد و به کاهش روایی پژوهش می‌انجامد. با توجه به محدودیت‌های خاص هر یک از انواع روش‌شناسی کمی و کیفی، توجه به رویکرد تلفیقی، گام مهمی در جهت برون‌رفت از تنگناهای روش‌شناختی صرف و بهبود روش‌های تحقیق در جهت شناخت هرچه مناسب‌تر پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌گردد. در این رویکرد، روش‌های تحقیق کمی و کیفی نفی نمی‌شوند. همچنین این روش‌ها متناقض با یکدیگر در نظر گرفته نمی‌شوند. در روش تلفیقی، دو رویکرد کمی و کیفی جنبه‌های یک واقعیت و مکمل یکدیگر تصور می‌شوند. از این جهت، به این نوع روش‌شناسی، شیوه‌های آمیخته، درهم‌تنیده یا رویکرد چندخصلتی و چندروشی اطلاق شده است.

رویکرد تلفیقی در تحقیق زمینه مناسبی برای انجام تحقیقات بین‌رشته‌ای فراهم می‌سازد. این شیوه شامل جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی می‌شود و با تلفیق

مجموعه داده‌ها، محقق درک جامع‌تر، عمیق‌تر و مناسب‌تری از موضوع مورد بررسی به دست می‌آورد. در تحقیق تلفیقی، روش‌های کمی به مدد داده‌های کیفی ارتقا می‌یابند و بالعکس، روش کیفی با استفاده از داده‌های کمی بهبود پیدا می‌کند.

در رویکرد تلفیقی، روش‌های کیفی و کمی از طریق ایفای نقش‌های مربوط، یعنی کشف و تأیید، یکدیگر را کامل می‌کنند. بر این اساس، پژوهش کیفی نقش اکتشافی و پژوهش کمی نقش تأییدی ایفا می‌کند.

در دهه اخیر، رویکرد ترکیبی در تحقیق مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و محققان قرار گرفته و انواع روش‌های تحقیق تلفیقی رشد یافته‌اند که روش‌های سه‌بعدی، ترکیبی، توضیحی و اکتشافی از انواع آن به شمار می‌آیند. همچنین برنامه‌های پژوهشی متعددی چون ادغام مجموعه داده‌های کمی و کیفی، تلفیق داده‌ها در سطح روش تحقیق و پیوند بین گردآوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها ارائه گردیده‌اند.

منابع

- اتسلندر، پیتر (۱۳۷۱) *روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی*، ترجمه بیژن کاظم‌زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي، رویه و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استربرگ، کرسستین فی (۱۳۸۴) *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*، ترجمه احمد پوراحمد و علی شمعی، یزد: دانشگاه یزد.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴) *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: دوران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵) *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: دیدار.
- ساعی، علی (۱۳۸۶) *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*، تهران: سمت.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹) *روان‌شناسی پرورشی*، تهران: آگاه.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱) *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- صدوقی، مجید (۱۳۸۶) *پژوهش کیفی در روان‌شناسی و علوم رفتاری*، تهران: هستی‌نما.

- قشلاقی، محمد (۱۳۷۱) مبانی تحقیقات تجربی، اصفهان: المپیک.
- کرسول، جان و ویکی پلانوکلاک (۱۳۸۷) روش‌های تحقیق تلفیقی، ترجمه محسن نیازی و عباس زارعی، تهران: ناامن الحجج.
- گال، مردیت و والتر بورگ و جویس گال (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمد رضا نصر و دیگران، تهران: سمت.
- والیمن، نیکولاس (۱۳۸۷) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه محسن نیازی، مصطفی صلابت و فریدون بهادرانی، تهران: پندار پارس.
- Bryman, A. (1988) *Quantity and Quality in Social Research*, London: Routledge.
- Bryman, A. (2004) *Social Research Methods (2nd)*, Oxford: Oxford University Press.
- Campbell, D. T, & D. W. Fiske (1959) "Convergent and Discriminant Validation by the Multitrait-Multimethod Matrix", *Psychological Bulletin*, 56: 81-105.
- Brewer, J. & A. Hunter (1989) *Multimethod Research: A Synthesis of Syles*, Newbury Park, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (1994) *Research Design: Qualitative and Quantitative Approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (1999) "Mixed-Method Research: Introduction and Application in A. Tashakkori & C. Teddlie (eds.), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, Thousand Oaks, CA: Sage: 209-240.
- Cook, T. D. & C. S. Reichardt (eds.) (1979) *Qualitative and Quantitative Methods in Evaluation Research*, Beverly Hills, CA: Sage.
- Dabbs, J.M. (1982) "Making Things Visible", in J. Van Maanen, J.M. Dabbs and R. Faulkner (eds), *Varieties of Qualitative Research*, London: Sage: 31-64.
- Denzin, N., & Y. S. Lincoln (1994) *Handbook of Qualitative Research (3rd ed.)* Thousand Oaks, CA: Sage.
- Denzin, N. (1970) *The Search Act*, Chicago: Aldine.
- Denzin, N.K. & Y. S. Lincoln (1994) "Introduction: Entering the Field of Qualitative Research", in N.K. Denzin & Y.S. Lincoln (eds) *Hand Book of Qualitative Research*, London: Sage.

- Denzin, N. K., & Y. S. Lincoln (eds.) (2005) *The Sage Handbook of Qualitative Research* (3rd ed.) Thousand Oaks, CA: Sage.
- Ely, M. With. M. Anzual (1999) *Doing Qualitative Research: Circles Within Circles*, London: Falmer.
- Greene, C. & V. Caracelli (1997) "Crafting Mixed-Method Evaluation Designs", in C. Greene & V. Caracelli (eds.) *Advances in Mixed-Method Evaluation: The Challenges and Benefits of Integrating Diverse Paradigms*, San Francisco: Jossey-Bass: 19-32.
- Greene, J. C., V. J. Caracelli, & W. F. Graham (1989) "Toward a Conceptual Framework for Mixed-Method Evaluation Designs", *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 11(3): 255-274.
- Guba, E. G., & Y. S. Lincoln (1988) "Do Inquiry Paradigms Imply Inquiry Methodologies?", in D. M. Fetterman (ed.) *Qualitative Approaches to Evaluation in Education*, New York: Praeger: 89-115.
- Guba, E. G., & Y. S. Lincoln (2005) "Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences", in N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The Sage Handbook of Qualitative Research* (3rd ed.) Thousand Oaks, CA: Sage: 191-215.
- Halfpeny, P. (1996) "The Relation between Social Theory & the Practice of Qualitative and Quantitative Social Research, Conference, University of Essex, UK.
- Jenkins, J. E. (2001) "Rural Adolescent Perceptions of Alcohol and Other Drug Resistance", *Child Study Journal*, 31(4): 211-224.
- Jick, T. D. (1979) "Mixing Qualitative and Quantitative Methods: Triangulation in Action", *Administrative Science Quarterly*, 24: 602-611.
- Kirk, J. & M. L. Miller (1986) *Reliability and Validity in Qualitative Research*. Qualitative Research Methods Series, 1, Beverly Hills, CA: Sage.
- Merriam, S. (1988) *Case Study Research in Education: A Qualitative Approach*, San Francisco: Jossey-Bass, quoted from Maxwell, J. A. (1996) *Qualitative Research Design: An Interactive Approach*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Maxwell, J. A. (1996) *Qualitative Research Design: An Interactive*

- Approach*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Miles, M. A. & A. M. Huberman (1994) *Qualitative Data Analysis: An Expanded Sourcebook* (2nd ed.) Thousand Oaks, CA: Sage.
- Morgan, D. L. (1998) "Practical Strategies for Combining Qualitative and Quantitative Methods: Applications to Health Research", *Qualitative Health Research*, 8(3): 362-376.
- Morse, M. (1991) "Approaches to Qualitative-Quantitative Methodological Triangulation", *Nursing Research*, 40: 120-123.
- Newman, I., & C. R. Benz, (1998) *Qualitative-Quantitative Research Methodology: Exploring the Interactive Continuum*, Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Onwuegbuzie, A. J. & C. Teddlie (2003) "A framework for Analyzing Data in Mixed Methods Research", in A. Tashakkori & C. Teddlie (Eds.), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, Thousand Oaks, CA: Sage: 351-383.
- Patton, M. Q. (1990) *Qualitative Evaluation and Research Methods* (2nd ed.) Newbury Park, CA: Sage.
- Ragin, C., C. Nagel & P. White (2004) *Workshop on Scientific Foundations of Qualitative Research* (Report) Retrieved April 8, 2006, from the National Science Foundation Web site, <http://www.nsf.gov/pubs/2004/nsf04219/nsf04219.pdf>.
- Reichardt, C. S., & S. E. Rallis (eds.) (1994) *The Qualitative-Quantitative Debate: New Perspectives*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Rossmann, G. B. & B. Wilson (1985) "Numbers and Words: Combining Quantitative and Qualitative Methods in a Single Large-Scale Evaluation Study", *Evaluation Review*, 9(5): 627-643.
- Schurink, E. M. (1998) "Deciding to Use a Qualitative Research Approach, in: De Vos, A. S. (ed), *Research at Grassroots: A Primer for the Caring Professions*, Pretoria: J. L. van Schaik.
- Sieber, S. D. (1973) "The Integration of Fieldwork and Survey Methods", *American Journal of Sociology*, 78: 1335-1359.
- Slife, B. D. & R. N. Williams (1995) *What's Behind the research?: Discovering Hidden Assumptions in the Behavioral Sciences*, Thousand Oaks, CA: Sage.

- Smith, J. K. (1983) "Quantitative Versus Qualitative Research: An Attempt to Clarify the Issue", *Educational Researcher*, 12(3): 6-13.
- Silverman, D. (1985) *Qualitative Methods in Sociology: Describing the Social World*, Aldershot: Gower.
- Tashakkori, A., & C. Teddlie (1998) *Mixed Methodology: Combining Qualitative and Quantitative Approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Turner, B.A. (1994) "Pattern of Crisis Behaviour: A Qualitative Inquiry", in Bryman and R. G. Burgess (eds) *Analyzing Qualitative Data*, London: Routledge.

